

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و مکانیسم‌ها

از منظر امام خمینی علیه السلام

فرج‌الله قاسمی *

چکیده

کارآمدی یکی از مفاهیم بنیادی در اندیشه سیاسی است که امروزه در نظام‌های سیاسی، بسیار بر آن تأکید می‌شود. نوشتار حاضر تلاشی است در راستای تبیین مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی علیه السلام. از این رو با اشاره به مفهوم کارآمدی، شاخصه‌ها و مکانیسم‌های آن، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ایشان را در این زمینه بررسی می‌کنیم. به گمان نگارنده از آنجاکه شکل‌گیری انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام بر مبنای اعتقادات دینی است، کارآمدی، شاخصه‌ها و مکانیسم‌های آن نیز در این راستا بر مبنای الگوی اسلامی استوار است؛ شاخصه‌ها و راهکارهایی از قبیل قانون‌گرایی، مردم‌گرایی، شایسته‌سالاری، مصلحت و وحدت که در مقاله بدان‌ها اشاره شده است.

واژگان کلیدی

کارآمدی، قانون‌گرایی، مردم‌گرایی، شایسته‌سالاری، مصلحت و وحدت.

Email: Ali.qasemi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۸۹/۶/۳۰

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۳

مقدمه

کارآمدی یکی از مفاهیم مهم و بنیادین در علوم سیاسی است که توفیق در آن موجب رشد نظام اجتماعی است. از آنجاکه هر نظام سیاسی به دنبال بیشینه کردن کارآمدی خویش است، بدیهی است که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال دستیابی به این هدف اساسی است تا دوام خویش را با تحصیل رضایت افزون تر شهروندان در عرصه عمل، بیش از پیش تضمین کند. پژوهش حاضر در راستای این مسئله، کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را از منظر امام خمینی علیه السلام بررسی می کند. هرچند امام خمینی علیه السلام به شکلی مدون به بحث کارآمدی نپرداخته است، ولی سخنان ایشان به گونه ای است که می توان براساس آنها به استخراج دیدگاه ایشان دست یافت. بدیهی است که ذکر این مصادیق فقط مبتنی بر کلام، اندیشه ها و نوشته های ایشان است و منظور از این مسئله، منحصر کردن کارآمدی (از منظر امام) در مواردی که ذکر می شود، نیست. از این رو، هدف ما بررسی دیدگاه امام درباره مهم ترین مصادیق کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

در این راستا، مقاله پیش رو به دنبال پاسخ به این سؤال است که مفهوم کارآمدی چیست؟ کارآمدی دارای چه مکانیسم ها و شاخصه هایی است و حضرت امام علیه السلام در این زمینه چه راهکارها و مؤلفه هایی دارد؟ پیش از ورود به بحث یادآوری چند نکته ضروری است:

۱. ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران موجود در این حکومت تعاملی پویا دارند؛ بدین معنا که در کارآمدی این نظام و رسیدن به اهداف منظور، ساختار و کارگزار چنان مستلزم هم هستند که تصور یکی بدون دیگری ممکن نیست. در واقع هر دو با حرکتی تعاملی است که می توانند به کارآمدی دست یابند؛ یعنی ساختار اجتماعی یا سیاسی جمهوری اسلامی به وسیله قیدوبندهایی که بر کارگزاری می زند، یا فرصتهایی که برای آن تدارک می بیند، تداوم می یابد. از این رو، تصور ساختار، بدون حداقل تصور اجمالی از کارگزاری که ممکن است تحت تأثیر آن باشد (محدود شود یا توانا گردد)، معنا ندارد. بنابراین در تحلیل مسایل، ساختار و کارگزار هر دو نقش دارند.

۲. اهداف هر نظام سیاسی - اجتماعی با دیگری متفاوت است. از آنجاکه حکومت ما جمهوری اسلامی (اصل اول قانون اساسی) است و بر مبانی اسلامی شکل گرفته، برخلاف برخی از نظام‌های سیاسی نمی‌تواند در نیل به اهداف خود از هر ابزاری استفاده کند. خاستگاه این نظام حرکت در چهارچوب اسلام و احکام اسلامی است، از این رو ناگزیر است که در رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های مشروع استفاده کند. بی‌شک این فلسفه وجودی، محدودیت‌هایی را برای حکومت و کارگزاران آن فراهم می‌کند. حکومت علوی امیرالمومنین علیه السلام به‌عنوان کارآمدترین حکومت دینی، گذار از مسیر معصیت را شرط پیروزی نمی‌داند و هر که را که در این مسیر غلبه یابد، مغلوب می‌شمرد:

ما ظفر من ظفر الاثم به و الغالب بالشر المغلوب.^۱ (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۲۷)

اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که چون نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از مبانی اسلامی است، ممکن است برخی از روی آگاهی و یا ناآگاهی، ناکارآمدی‌های جمهوری اسلامی ایران را به دین اسلام منتسب کند؛ همان مسئله‌ای که دغدغه امام علیه السلام نیز بود. اما در واقع ارزیابی درمورد ناکارآمدی، نارسایی‌ها و مشکلات که در هر نظام سیاسی نیز وجود دارد، به مؤلفه‌هایی از قبیل کارگزاران، ساختار نظام سیاسی، موانع داخلی و خارجی و امکانات موجود بازمی‌گردد، نه به دین مقدس اسلام.

۳. مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی یا ناکارآمدی نظام، عملکرد آن نظام است، هر چند آن حکومت برخاسته از مبانی دینی و مذهبی باشد. قضاوت مردم بیش از آن که براساس مبانی نظری باشد، براساس عملکرد آنهاست و هر نظامی عملکرد درست‌تری داشته باشد، کارآمدتر به نظر می‌رسد. از این رو با وجود ارتباط مستقیم بین ساختار نظام سیاسی و کارگزاران آن ساختار و از سویی با توجه به آن که هردو در کارآمدبودن یا ناکارآمدی نظام سیاسی نقش اساسی دارند، دفاع از ساختار سیاسی - که مبتنی بر یک اندیشه نظری است -

۱. آن کس که گناه بر او چیرگی یافت، پیروز نشد و آن کس که با بدی پیروز شد، شکست خورده است.

زمانی امکان‌پذیر است که آن نظام در مقام عمل، درستی و کارایی و کارآمدی و اثربخشی خود را به‌اثبات رسانیده باشد.

در اینجا نیز ناگفته نماند که در ارزیابی نظام سیاسی نمی‌توان براساس کارآمدی یا ناکارآمدی بخش و یا جزیی از نظام سیاسی، آن نظام را کارآمد یا ناکارآمد دانست؛ همان اشتباهی که برخی مرتکب می‌شوند و از ناکارآمدی جزئی از نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ناکارآمدی کل این نظام را نتیجه می‌گیرند.

مفهوم‌شناسی کارآمدی

با توجه به قضاوت‌پذیر بودن عنوان کارآمدی، ادعای رسیدن به یک تعریف همگانی برای آن، منطقی به‌نظر نمی‌رسد، بلکه در آن اختلاف نظر وجود دارد. به‌طور کلی تعریف پدیده‌های اجتماعی دشوار است و نمی‌توان در تعریف آنها به توافق رسید. کارآمدی^۱ معمولاً همراه با کارایی^۲ به کار برده می‌شود. کارآمدی با واژگانی مانند «اثربخشی» و «تقرب به هدف» مترادف است. (زاهدی و الوانی، فرهنگ جامع مدیریت: ۱۱۱) کارآمد آن است که کارها را به‌نیکی انجام دهد. کارآمدی، درخور بودن، به‌کار آمدن، مورد استعمال یافتن، مفید بودن و خدمت کردن است. (دهخدا، لغت نامه دهخدا: واژه کارآمد) کارآمد به‌معنای کاردان، کارآزموده و شایسته است. کارآمد کسی است که کارها را به‌خوبی انجام دهد و یا چیزی است که به‌کارآید و سودمند باشد. (عمید، فرهنگ عمید، ج ۲: ۱۶۰۲) کارآمدی «میزان نیل به اهداف تعیین شده» است. (زاهدی و الوانی، همان: ۱۱۱) به‌طور کلی اثربخشی میزانی است که یک اقدام یا فعالیت، به هدف پیش‌بینی شده نایل می‌شود. (معینی، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان: ۲۱۱) در فرهنگ اصطلاحات مدیریت، کارآمدی به مفهوم «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت» است که نشان‌دهنده درجه رسیدن به اهداف می‌باشد. (همان: ۱۵۵) در علم مدیریت بین کارآمدی و کارایی تفاوت قائل شده و گفته‌اند:

1. Effectiveness.
2. Efficiency.

«کارآمدی شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف و کارآیی، شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن است». (رضاییان، مبانی سازمان مدیریت: ۱۹) اما در تعریفی دیگر، کارآمدی مترادف با کارآیی دانسته شده و گفته‌اند: «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص». سنجش مقدار کارآیی، از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده، صورت می‌گیرد. مثلاً تولید واقعی با تولید مورد هدف و یا زمان مصرف شده با زمان پیش‌بینی شده مقایسه می‌شود. (آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی: ۴۴۶) «لیپست»، کارآمدی را این‌گونه تعریف می‌کند:

تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت، به‌گونه‌ای که بیشتر مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده کنند. (لیپست، مشروعیت و کارآمدی: ۱۱)

بنابراین کارآمدی با مفاهیمی همچون کارآیی، پاسخگویی و مشروعیت ارتباط نزدیکی دارد. در حقیقت کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا رژیم سیاسی توانایی تحقق اهداف حکومت، اداره جامعه و اداره امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را داراست یا خیر، باید گفت هر اندازه که نظام سیاسی با توجه به توانایی و امکانات و موانع پیش روی خود به اهداف خود نایل آید، آن نظام سیاسی کارآمدتر است. بنابراین کارآمدی نظام سوسیالیستی، متفاوت با نظام لیبرالی است؛ چراکه در اهداف متفاوتند.

رویکردها و نظریه‌های کارآمدی

در باب تبیین کارآمدی به‌عنوان پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی، معیارهای متفاوتی بیان شده است. در یک دیدگاه، در تبیین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی می‌توان دو گونه تبیین را

به آسانی شناسایی کرد: تبیین‌هایی که به عوامل ساختاری تمسک می‌جویند و تبیین‌هایی که بر پایه عوامل متعلق به کارگزاری است. آن دسته از نظریه‌ها و تبیین‌هایی که عوامل ساختاری یا عوامل متعلق به بستر را در اولیت می‌دانند، ساختارگرا^۱ نامیده می‌شوند و آن دسته از تبیین‌ها و نظریه‌هایی که اولویت را به عوامل کارگزارانه می‌دهند، اراده‌گرا^۲ نام گرفته‌اند. (کالین، در آمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی: ۱۷۱ - ۲۱۴ و ساختار و کارگزار: ۳۰۳ - ۳۲۷) اما نوع سوم که در این مقاله نیز از آن استفاده شده، آنهایی است که در تبیین پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، ساختار و کارگزار را مستلزم هم دانسته و به هر دو متمسک می‌شود که بدان ساختار - کارگزار^۳ گویند.

از سویی دیگر در باب کارآمدی حکومت، نظریه‌های متعددی نیز مطرح شده که به آنها

می‌پردازیم:

۱. نظریه توفیق: ^۴ براساس این نظریه، هر سازمانی برای بررسی کارآمدی خود باید اساس محاسبه را «توفیقات نهایی» بداند. از این رو بر این پایه، روش‌ها در کارآمدی تأثیری ندارد.
۲. نظریه سیستم: بر این اساس نظام یا سازمان، هنگامی کارآمد است که ارتباط خروجی و ورودی آن کاملاً آشکار و قابل تبیین باشد؛ یعنی عملیات تغییر و تحول باید چنان روشن و مقید باشند که در هر شرایط محیطی وقتی ورودی تحقق یافت، خروجی کاملاً معین باشد.
۳. نظریه رضایت مردم: طبق این نظریه، یک حکومت را در صورتی می‌توان کارآمد دانست که عناصر مؤثر در بقای خود را راضی کند.
۴. نظریه نسبیّت در کارآمدی: براین بنیاد، مبنای واحد و اصیلی برای مفهوم و میزان کارآمدی وجود ندارد، از این رو ارزیابی در این بحث نسبی است.

-
1. Structuralism.
 2. Intentionalism.
 3. Structure and agency.
 4. Goal-Attainment.

۵. **نظریه ذاتی عملی:** این نظریه مبتنی بر نظریه ذاتی اعمال ارادی است که ریشه کارآمدی را در ماهیت عامل بودن حکومت می‌داند. نظریه مزبور برای هر عمل سه رکن قائل است: فهم عامل از وضعیت حقیقی، فهم عامل از وضعیت مراد و نیز برنامه عملی برای رسیدن به وضع مراد. در واقع هر عاملی که افعال درست‌تر (معقول‌تر) از او صادر شود، کارآمدتر است. (لاریجانی، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی: ۷۷ - ۹۳ و حکومت و مبانی کارآمدی: ۳۲ - ۴۲)

۶. **نظریه انجام تکلیف:** بر پایه این نظریه با تبیین و تعیین شاخص‌ها و محورهایی که وظایف و تکالیف نظام سیاسی را مشخص می‌کند، میزان التزام و تحقق این تکالیف، ملاک کارآمدی دانسته می‌شود.

۷. **نظریه میزان اثرگذاری در روند امور:** این نظریه، کارآمدی را ناظر به تأثیر عینی و واقعی در روند امور جامعه می‌داند و برای نفس «تأثیر» اهمیت قائل است. (ذوعلم، تجربه کارآمدی حکومت ولایی: ۱۲۰ و ۱۲۱)

در اینکه این رویکردها و نظریه‌ها تا چه اندازه می‌توانند بیانگر کارآمدی نظام سیاسی (به‌ویژه نظام جمهوری اسلامی) باشند، باید گفت هر کدام بر جنبه خاصی از کارآمدی تأکید دارند، ولی آنچه مهم است و در این پژوهش مبنای تحلیل ماست، فراتر از این‌گونه مواضع است و در واقع از موضعی میانه سخن می‌گوید؛ موضعی که هیچ‌یک از نظریه‌های پیش‌گفته را به‌تنهایی روش ارزیابی حکومت نمی‌داند، بلکه تعامل عوامل را مدنظر دارد. این نوع تبیین، ساختار و کارگزار را منطقاً مستلزم یکدیگر می‌شمارد و به تلفیق عوامل ساختاری و کارگزاری در چارچوب تبیینی واحد نظر دارد. به‌طور کلی تعیین یک عامل و نظریه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی بسیار دشوار به‌نظر می‌رسد.

شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی

ملاک‌های کارآمدی در چارچوب نظریه‌های مختلف کارآمدی و متناسب با آن، به‌شکل‌های

گوناگون تعریف و تبیین می‌شود و به همین رو نمی‌توان در علم سیاست به اجماع دست یافت. (لاریجانی، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی: ۹۷) اما همان‌گونه که گفته شد، از آنجاکه خاستگاه نظام جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی علیه السلام حرکت در چهارچوب اسلام و احکام اسلامی است، ناگزیر می‌باید در نیل به کارآمدی نیز از مکانیسم‌های اسلامی استفاده کرد. (فتحعلی، کارآمدی نظام اسلامی: ۱۰۱ - ۱۰۵) به‌طور کلی شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی به قراری است که در پی می‌آید.

۱. قانون محوری

یکی از اهداف اساسی در نظام‌های سیاسی که مورد توجه اسلام نیز بوده، محوریت قانون و رعایت آن است؛ امری که جای‌گرفتن آن در ساختار سیاسی و توجه به آن از سوی کارگزاران، بی‌تردید کارآمدی نظام سیاسی را در پی خواهد داشت. قوانین و مقررات مناسب برای نظام سیاسی با عنایت به انعطاف‌پذیری احکام اسلام و قابلیت تطابق آن با شرایط زمان و مکان، برگرفته از قرآن و سنت و شریعت الهی است؛ شاخصه‌ای کلی و اساسی که با عمل به آن، نظام سیاسی کارآمد خواهد شد و موانع پیش‌روی آن نیز از میان خواهد رفت. به‌بیانی شاخص مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی، قوانین اعتقادی و ارزشی اسلام است.

۲. شورا و مشارکت‌جویی

امروزه مشارکت و همیاری در زمینه‌های مختلف از شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی و از اهداف نظام سیاسی به‌شمار می‌رود. این حق عمومی بی‌گمان در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به‌دست‌آوردن آزادی‌های مردمی است. لزوم مشورت با متخصصان و خبرگان جامعه و تصلب‌نداشتن بر نظر شخصی از سوی مسئولان جامعه، از امور مورد تأکید قرآن است؛ تا آنجاکه پیامبر صلی الله علیه و آله در اداره امور عامه مسلمین مأمور به مشاوره با مردم می‌شود. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله در امور عمومی مسلمانان جلسه مشاوره تشکیل می‌داد و به‌ویژه برای رأی افراد صاحب‌نظر ارزش خاصی قائل بود. اصولاً مسئولانی که کارهای مهم خود را با مشورت انجام

می‌دهند و با صاحب‌نظران به‌مشورت می‌نشینند، کمتر دچار لغزش می‌شوند. از این سو نیز افرادی که استبداد رأی دارند و خود را از افکار دیگران بی‌نیاز می‌دانند، اغلب گرفتار اشتباهات جبران‌ناپذیری می‌شوند که آثار سوء آن دامنگیر خود و جامعه می‌شود؛ چراکه آدمی هر قدر از لحاظ فکری نیرومند باشد، نمی‌تواند به تمامی ابعاد مسایل بنگرد، از این رو ابعاد دیگر مسئله برای او ناشناخته می‌ماند. اما هنگامی که مسایل در شورا طرح و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های متفاوت با هم جمع شود، افراد از لغزش و انحراف دورتر می‌شوند و از سویی مسالمت و عطفوت در میان مردم و نیز آگاهی و بصیرت آنان بیشتر می‌شود. قرآن کریم در این زمینه آیاتی نیز دارد. (آل عمران: ۱۵۹؛ شوری: ۳۸؛ بقره: ۲۳۳)

در روایات نیز بر مشاوره تأکید بسیاری شده است. برای مثال در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است:

من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شارکها فی عقولهم^۱ (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۱)

از این رو، سزاوار است که در نظام‌های سیاسی، مسئولان امر با مراجعه به کارشناسان و متخصصان متعهد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در راستای کارآمدی و حل مشکلات نظام گام بردارند.

۳. مسئولیت‌پذیری و نظارت همگانی

نظارت همگانی بر امور اجتماعی و سیاسی مسئولان و مردم اهمیت بسیاری دارد؛ آن‌گونه که با اجرای صحیح آن می‌توان برخی از مسایل و مشکلات درون حکومت را حل کرد و به کارآمدی رسید. امر به معروف و نهی از منکر بیانگر همین شاخص مهم مسئولیت و نظارت همگانی است، از این رو عدم نظارت و مسئولیت‌پذیری از جانب مردم موجب ناکارآمدی نظام خواهد شد. آیاتی از قرآن نیز بر این امر دلالت دارد (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) در حدیثی از

۱. کسی که استبداد رأی داشته باشد، هلاک می‌شود و کسی که با افراد بزرگ مشورت کند، در عقل آنها شریک شده است.

پیامبر اکرم ﷺ آمده است:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^۱ (دیلمی، ارشادالقلوب الی الصواب، ج: ۱: ۱۸۴)

۴. برابری و عدم برتری انسان‌ها

نظام سیاسی در صورتی به کارآمدی خواهد رسید که هرگونه تبعیض مبتنی بر قوم، گروه، رنگ، نژاد، قدرت، ثروت و نسب را از بین ببرد و مشکلات گوناگون ناشی از این امور را مرتفع سازد. به بیانی یکی از مؤلفه‌های اساسی کارآمدی هر حکومتی برتری انسان‌ها براساس شایستگی آنهاست. (حجرات: ۱۳)

۵. عدالت‌جویی

این شاخص مهم در مباحث کارآمدی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا بدان پایه که قوام حقیقت حیات آدمی بر آن مبتنی است: «بالعدل قامت السماوات و الارض»^۲ (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ج ۴: ۱۰۳) کثرت آیات درباره عدل نیز بیانگر منزلت این مفهوم در قرآن است. (الرحمن: ۷ - ۱۰؛ مائده: ۸؛ نساء: ۱۳۵ و نحل: ۹۰) عدالت از مفاهیمی است که مورد توجه رهبران فکری و مصلحان اجتماعی است. به گواهی قرآن کریم فلسفه بعثت انبیا، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار، در این راستاست. به سخنی دیگر، ایجاد جامعه عادلانه در سرلوحه اهداف والای پیامبران قرار داشته است. (حدید: ۲۵)

۶. عقل‌گرایی

قرآن کریم انسان‌ها را به عقل‌گرایی دعوت کرده و به منزلت آن اشاراتی داشته است. (بقره: ۱۶۴، ۱۷۰ و ۱۷۱؛ مائده: ۵۸ و ۱۰۳؛ انفال: ۲۲؛ طور: ۱۴) توجه اسلام به این شاخص و به کارگیری آن در عرصه اجتماع از مؤلفه‌های مهمی است که می‌تواند با انعطاف‌پذیری و

۱. همه شما سرپرست هستید و همه شما در سرنوشت جامعه و مردم شریک و مسئول هستید.

۲. به واسطه عدل، آسمان‌ها و زمین استوار می‌مانند.

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و ... □ ۱۶۳

رعایت شرایط زمان و مکان، مشکلات موجود نظام سیاسی را از میان بردارد تا آن نظام، کارآمد شود. عمل به این شاخصه، ما را به مؤلفه دیگری در همین باب به نام «واقع‌گرایی» می‌رساند. واقع‌گرایی، ارائه تصویری درست از وضعیت موجود در راستای رسیدن به وضع مطلوب است.

۷. مصلحت‌محوری

از جمله شاخصه‌های کارآمدی نظام سیاسی که در مواجهه با مسایل نوظهور توان انعطاف‌پذیری و حل مشکلات را دارد، مصلحت است که در نظام سیاسی اسلام به‌ویژه در فقه شیعه و اهل سنت از جایگاه مهمی برخوردار بوده و عرصه جدیدی را در کارآمدی حکومت گشوده است. این عنصر در راستای پیشبرد اهداف نظام سیاسی نقش محوری ایفا می‌کند.

۸. وحدت‌گرایی

بی‌تردید وحدت در تمامی ابعاد اعم از وحدت بین مردم، وحدت بین مردم و مسئولان و وحدت بین مسئولان با یکدیگر، شرط لازم و از شاخصه‌های اساسی کارآمدی است؛ آن‌گونه که عدم رعایت آن، نظام سیاسی را به سمت ناکارآمدی سوق خواهد داد.

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی از منظر امام خمینی علیه السلام

پس از بررسی مفهوم کارآمدی و شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کلی کارآمدی، به شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی از منظر امام خمینی علیه السلام می‌پردازیم.

در اندیشه سیاسی امام خمینی، یک اصل و شاخصه کلی وجود دارد و آن اینکه ماهیت دولت و حکومت، «اسلامی» است. از این رو اگر ما به اسلام و احکام اسلامی عمل کنیم، بی‌گمان نظامی کارآمد خواهیم داشت:

اسلام همه چیز دارد. اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد. اسلام همه بُعدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت‌های دیگر نیست که فقط به یک بُعد نظر داشته باشند. حکومت اسلامی حکومتی است که همه [آن] اگر

ان شاء الله پیاده بشود، ... به آن طوری که بر پیغمبر اکرم نازل شده است، ... سعادت دنیا و آخرت ملت‌ها را ضمانت کرده است و می‌کند. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳: ۳۶۶)

اما ذکر این مؤلفه کلی بدون نگاهی کاربردی و واقع‌گرایانه به مسئله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند ما را به هدف برساند. از این رو، پس از ذکر مسئله بنیادی عمل به اسلام، مهم‌ترین مؤلفه‌های کارآمدی را از منظر ایشان بررسی می‌کنیم.

۱. قانون‌گرایی

بی‌تردید یکی از مبانی رفتاری و اجتماعی در نظام‌های سیاسی که از دیرباز تاکنون مورد توجه جوامع و ادیان الهی - از جمله اسلام - بوده، قانون است. قانون‌محوری، توجه به قانون از جانب نظام سیاسی و کارگزاران موجب کارآمدی نظام سیاسی خواهد شد. یکی از مواردی که امام خمینی ره در راستای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، بر آن تأکید داشت، اهمیت به قانون است. ایشان بی‌هیچ تبعیضی تمام افراد و مسئولان حکومتی را تابع قانون می‌دانست و به‌طور کلی حکومت اسلامی را حکومت قانون می‌شمرد:

در اسلام قانون است. همه تابع قانونند و قانون هم قانون خداست؛ قانونی است که از روی عدالت الهی پیدا شده است؛ قانونی است که قرآن است؛ قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقی مابین اشخاص نیست در قانون اسلام؛ فرقی مابین گروه‌ها نیست. (همان: ج ۹: ۴۲۵)

امام ره حکومت اسلامی را حکومت قانون می‌داند و بر این بنیاد، عمل به آن را موجب رفع اختلاف می‌شمرد. به بیانی دیگر از منظر ایشان منشأ اختلافات، قانون‌شکنی است. (همان، ج ۱۴: ۴۱۴) ایشان می‌فرمایند:

اگر می‌خواهید که از صحنه بیرونتان نکنند، بپذیرید قانون را. نگوئید هی قانون و خودتان خلاف قانون بکنید! بپذیرید قانون را. همه‌تان روی مرز قانون عمل

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و ... □ ۱۶۵

بکنید. اگر همه روی مرز قانون عمل بکنند، اختلاف دیگر پیش نمی‌آید.
(همان: ۳۷۸)

۲. مردم‌گرایی

یکی دیگر از مؤلفه‌های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی از منظر امام‌خمينی علیه‌السلام که نظام‌های دموکراتیک نیز بر آن تأکید می‌کنند، توجه به مردم است. مردم‌گرایی در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام‌خمينی علیه‌السلام از چند طریق نمود می‌یابد:

الف) خدمت‌گزاری

ماهیت اندیشه امام‌خمينی به‌گونه‌ای است که در کارآمدی نظام سیاسی، مردم نقش بسزایی دارند؛ به‌گونه‌ای که دین اسلام از نگاه ایشان، دین خدمت‌گزاری به مردم است:

ملتفت باشید که شمایی که الان به حکومت رسیده‌اید، [این] حکومت نیست؛ خدمتگزار هستید. اسلام حکومت به آن معنا ندارد. اسلام خدمتگزار دارد... شما خودتان را حاکم مردم ندانید؛ شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید... (همان، ج ۱۳: ۲۰۲ و ۲۰۳)

ایشان در خدمت‌گزاری به مردم تفاوتی بین مسئولان قائل نیست؛ تا بدانجا که انبیا و اولیای الهی را خدمتگزار مردم معرفی می‌کند (همان، ج ۱۵: ۳۵۸)

در دیدگاه امام‌خمينی علیه‌السلام دولت نه‌تنها در عرصه نظر، بلکه در عرصه عمل باید خدمت‌گزاری خود را نشان دهد. چنان‌که گفته شد، مردم ملاک کارآمدبودن و ناکارآمدی را بیشتر در حوزه عمل می‌بینند:

توجه به این معنا داشته باشد که حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمتگزاریم؛ حالی کنند لفظاً؛ حالی کنند عملاً. (همان، ج ۱۳: ۳۸۲)

این امر باید به‌گونه‌ای باشد که مردم نیز آن را در زندگی خویش احساس کنند:

همه ما و همه شما و همه کسانی که دست‌اندرکار امور مردم هستند - از دولت و از همه - [باید] این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند... حکومت‌ها باید خدمتگزار مردم باشند. مردم [باید] احساس کنند که اینها به نفع آنها عمل می‌کنند. (همان: ۳۷۰)

(ب) مشارکت مردم در دولت

یکی از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار، اتکا به آرای عمومی و مشارکت مردم در اداره امور کشور است. این حق عمومی در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به دست آوردن آزادی‌های مردمی است. یکی از اساسی‌ترین موضوعات در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام خمینی علیه السلام که در کارآمدی حکومت اسلامی نقش اساسی دارد، لزوم تعیین سرنوشت مردم از طریق مشارکت سیاسی فعال در همه امور و پشتیبانی مردم در حکومت است که بی‌تردید بدون آن، حکومت از انجام وظایف خود ناتوان خواهد ماند و دیگر پایدار نخواهد بود. امروزه در نظام‌های سیاسی دموکراتیک نیز نقش مردم در اداره حکومت اساسی انکارناپذیر است.

حضرت امام علیه السلام در این باره می‌گوید:

این ملت، یعنی هر ملتی حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند ... در اعلامیه حقوق بشر هر کسی، هر ملتی خودش باید سرنوشت خودش را تعیین کند. ملت ما هم الآن هم ایستاده‌اند [و] می‌خواهند سرنوشت خودشان را تعیین کنند. (همان، ج ۳: ۵۰۳)

من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید ... و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند. دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد؛ شماها باید پشتیبانی کنید. (همان، ج ۶: ۵۲۹)

اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد. اگر یک ملت پشتیبان یک رژیم باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت. (همان، ج ۸: ۳۷۲)

مشورت حکومت با مردم و نمایندگان مردم، از موارد دیگر مشارکت و حمایت مردمی

کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، شاخصه‌ها و ... □ ۱۶۷

است که با وجود چنین مشاوره‌هایی آن حکومت کارآمد خواهد بود. (همان، ج ۵: ۴۳۶)

یکی از موارد تجلی نقش مردم در اندیشه امام علیه السلام حاکمیت مردم از طریق تشکیل شوراهاست. ایشان تشکیل این نهاد را از ضرورت‌های نظام جمهوری اسلامی برمی‌شمرد و بر تدوین و تنظیم آن در قانون اسلامی تأکید می‌ورزید:

در جهت استقرار حکومت مردمی در ایران و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش - که از ضرورت‌های نظام جمهوری اسلامی است - لازم می‌دانم بی‌درنگ به تهیه آیین‌نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محل شهر و روستا در سراسر ایران اقدام و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمایم تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا درآورد. (همان، ج ۷: ۱۶۷)

ج) حمایت از طبقات پایین جامعه

یکی از شاخصه‌های دیگر مردم‌گرایی در اندیشه امام خمینی علیه السلام توجه به طبقات کم‌درآمد است؛ آن‌گونه که ایشان از آنان به «نور چشمان ما» و «اولیای نعم همه» یاد می‌کرد. (همان، ج ۲۱: ۴۱۲) امام علیه السلام در این زمینه می‌گوید:

... برای این طبقه کارگر و کارمند که ضعیف هستند - طبقه‌ای که شما اینها را پایین می‌دانید، درحالی که اینها از همه شما بالاتر و بلندمقام‌تر هستند - باید دولت‌ها برای اینها کار بکنند. (همان، ج ۷: ۳۳۵)

دولت واقعاً باید با تمام قدرت، آن‌طوری که علی‌علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، ... دل بسوزاند برای محرومین؛ مثل یک پدری که بچه‌هایش اگر گرسنه بمانند، چطور با دل افسرده دنبال این می‌رود که آنها را سیر بکند. یک دولت تابع امیرالمؤمنین باید این‌طور باشد. (همان، ج ۱۸: ۱۵۹)

جایگاه طبقات پایین اجتماع در نظر امام، تا بدان پایه والاست که به مسئولان مملکتی در این عصر و در دوره‌های آینده توصیه می‌کند که خود را وقف اسلام، جمهوری اسلامی و طبقات پایین کنند:

وصیت این جانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید، مال ملت است] و [بنابراین] باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید. (همان، ج ۲۱: ۴۲۷)

وصیت این جانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر... و در عصرهای آینده آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند. (همان: ۴۲۳)

د) جلب محبت و رضایت مردم

حضرت امام علیه السلام در دیدارهای مختلف با مسئولان همواره بر این امر مهم تأکید داشت: «آقا کاری باید بکنید که محبت مردم را جلب کنید. این هم رضای خدا در آن هست.» (همان، ج ۸: ۱۲۶) «جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می‌کرد [و] دنبال این بود که مردم را جلب کند.» (همان، ج ۱۷: ۲۵۱) «همه‌مان و شما آقایان، همه و آنهایی که در اختیار شما هستند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید.» (همان، ج ۱۸: ۳۷۸) در کنار جلب رضایت مردم، امام علیه السلام بر این نکته نیز اصرار داشت که نباید بر مردم سخت گرفت و بر آنها فشارهای اقتصادی وارد کرد:

مسئله دیگر، رفتار نهادها با مردم است. باید حرکت ما به‌صورتی باشد که مردم بفهمند که اسلام برای درست کردن زندگانی دنیا و آخرت آمده است تا ملت احساس آرامش کند. اینکه آمده است «الاسلامُ یَجِبُ مَاقَبْلَهُ»، این یک امر سیاسی است. اسلام دیده است اگر بخواید با کسانی که تازه مسلمان شده‌اند سختگیری کند، هیچ کس به اسلام رونمی‌آورد. [از این رو] «جُبَّ مَاقَبْلَهُ» کرده است و از آنچه در قبل کرده‌اند، گذشته است... ما باید این قدر سخت نگیریم و به فکر مردم باشیم. مردم ما خیلی زحمت کشیده‌اند. مردم عادی غیر از طبقه مرفه هستند. مردم عادی ما اسلام را پیاده کرده‌اند و تمام زحمات حکومت را متحمل می‌شوند. پس باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که [مبادا] از صحنه خارج شوند.» (همان، ج ۱۹: ۴۴)

۳. شایسته‌سالاری

این مؤلفه در راستای کارآمدی از منظر امام‌خمينی دارای شاخصه‌هایی است که بدان‌ها می‌پردازیم.

الف) دوری چابپلوسان و متملقان

یکی از ویژگی‌های حاکم و مسئول شایسته در جمهوری اسلامی این است که از چابپلوسان و دغل‌بازان و ثناگویان به‌دور باشد. در واقع مسئولان و حاکمان هیچ‌گاه نباید از مدح و ثنا و تمجید افراد به‌وجود آیند و حتی نباید چنین افرادی را به‌عنوان مشاور و مسئول انتخاب کنند. امام‌خمينی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

همه دست‌اندرکاران - به‌ویژه رئیس‌جمهور - باید از چابپلوسان دغلباز و زبان‌بازان حيله‌گر برحذر باشند و مشاوران خود را از اشخاص سابقه‌دار که تعهدشان قبل از انقلاب مشهود بوده است، انتخاب کنند. بسا که منحرفان و منافقان، خود را با ظاهری آراسته به تقوا جا بزنند و با دست ما به اسلام و کشور اسلامی صدمه زنند... (همان، ج ۱۹: ۳۷۰)

ب) ضرورت انتقادپذیری

از جمله ویژگی‌ها و ابزار حاکم و مسئول شایسته، داشتن سعه صدر و روحیه انتقادپذیری است: «آلة الرياسة سعة الصدر»^۱ (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم: ۳۴۲) امام‌خمينی علیه‌السلام یکی از شاخصه‌های لازم برای اداره حکومت را همین نکته می‌داند. (همان، ج ۲۱: ۲۰) ایشان در جایی دیگر درخصوص انتقاد آزادانه می‌فرماید:

کوچک‌ترین فرد می‌تواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد. (همان، ج ۵: ۴۴۹)

۱. سعه صدر ابزار ریاست است.

ج) ساده‌زیستی

به‌دوربودن از تجمل از موارد دیگر کارآمدی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام‌خمينی علیه‌السلام است؛ نکته‌ای که خود ایشان نیز سخت بدان پایبند بود. او خطاب به روحانیون به‌عنوان مسئولان جامعه می‌فرماید:

آخرین نکته‌ای که در اینجا... باید از باب تذکر عرض کنم و بر آن تأکید نمایم، مسئله ساده‌زیستی و زهدگرایی علما و روحانیت متعهد اسلام است که من متواضعانه و به‌عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زی‌روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا - که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است - پرهیز کنند و برحذر باشند. (همان، ج ۲۰: ۳۴۲)

حضرت امام‌خمينی علیه‌السلام درباره تنافی فرهنگ کاخ‌نشینی با فرهنگ اسلام می‌گوید:

... آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس‌جمهور ما - خدای نخواسته - از آن خوی کوخ‌نشینی بیرون برود و به کاخ‌نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند، پیدا می‌شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ‌نشینی پیدا کنند - خدای نخواسته - و از این خوی ارزنده کوخ‌نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. (همان، ج ۱۷: ۳۷۶)

د) قاطعیت در عمل

برخورد قاطع با متخلفان و خائنان و مفسدان از دیگر وظایف مسئولان است که بی‌تردید سستی در آن موجب بدبینی مردم و ناکارآمدی حکومت خواهد شد. سعدی در باب اول بوستان به قاطعیت در برخورد با مردم‌آزاران و ظالمان اشاره می‌کند و به‌هیچ‌رو صبر

پیشه کردن بر کارگزار ستمگر را روا نمی‌داند:

مکافات موذی به مالش مکن که بیخش برآورد باید زبن
مکن صبر بر عامل ظلم‌دوست چه از فربهی بیدش پوست کند

(سعدی، کلیات سعدی: ۲۱۸)

قاطعیت حضرت امیر علیه السلام در مقابل مفسدان و خائنان به بیت‌المال و حکومت، الگوی مناسبی برای زمامداران است. البته در این باره باید دقت بسیار کرد و دیگر صفت حاکم از منظر امام علیه السلام را از نظر دور نداشت؛ یعنی پرهیز از ریختن خون ناحق که بی‌تردید خشم خدا را در پی خواهد داشت:

ایک و الدماء و سفکها بغیر حلها فانه لیس شیء ادعی لثقمه و لا اعظم لثبعه و لا احری بزوال
نعمه و انتقطاع مده من سفک الدماء بغیر حقها.^۱ (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

امام خمینی علیه السلام خطاب به مسئولان استان‌ها می‌گوید: «شما آقایان که در محل هستید، با قاطعیت باید عمل بکنید و مردم را وادار کنید که به قاطعیت عمل بکنند.» (امام خمینی، همان، ج ۷: ۳۷۵)

ایشان در مورد لزوم قاطعیت در برخورد با مشکلات می‌فرماید:

اگر ما مسامحه بکنیم و بخواهیم که با ترتیب - و مثلاً فرض کنید - اداری و جوّ پرونده‌سازی و به کاغذ بازی عمل بکنیم، کارها زمین می‌ماند. باید ... ارتش [و] ژاندارمری به‌طور قاطع عمل بکنند. (همان، ج ۷: ۳۸۱)

امام علیه السلام نه تنها در برخورد با مشکلات داخلی قاطعیت را ضروری می‌انگاشت، بلکه در راستای کارآمدی سیاست و روابط خارجی و برخورد با ابرقدرت‌ها نیز عدم مسامحه را لازم می‌شمرد. (همان، ج ۱۲: ۳۰۵)

۱. از خونریزی پرهیز، و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک، مجازات را بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند.

ه) تعهد و تدین

یکی از شاخصه‌های دیگری که در اصلاح جامعه، تدین مردم و کارآمد شدن حکومت تأثیر بسزایی دارد، داشتن تعهد و دین‌باوری است؛ چنان که در روایتی آمده است: «الئاس علی دین ملوکهم»^۱ (اربلی، کشف الغمه، ج ۲: ۲۱۹) امام در این خصوص می‌فرماید:

ما احتیاج به رجالی متدین و قابل اعتماد داریم که در عضویت شورایی - پس از سقوط رژیم - شرکت کنند و دارای شرایطی باشند، علاوه بر تدین و علاقه به اسلام... (امام خمینی، همان، ج ۵: ۱۵۱)

اهمیت این موضوع تا بدانجاست که پایبند نبودن به آن از سوی مسئولان، کشور را به تباهی و فساد و ناکارآمدی می‌کشاند. (همان، ج ۱۴: ۳۹۱ و ۳۹۲)

و) تخصص

از دیگر شاخصه‌های کارآمدی در کنار تعهد مسئولان، تخصص آنهاست؛ چنان که امام علیه السلام می‌گوید:

دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران، به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند... نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست‌اندرکاران، آن [کسی] است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان... دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. دولتمردان با رویه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است، به پیش روند و این سیاست صحیح اسلامی است. (همان، ج ۱۹: ۱۵۷ و ۱۵۸)

۱. مردم دنباله‌روی دین پادشاهان خود هستند.

۴. مصلحت

طرح این موضوع از سوی امام علیه السلام عرصه جدیدی را در کارآمدی حکومت و نظام سیاسی گشود. عنصر مصلحت در فقه به‌ویژه فقه اهل سنت جایگاه بارزی دارد و حتی از منابع اجتهاد آنان به‌شمار می‌آید. در فقه شیعه نیز احکام حکومتی دائر مدار مصالح و مفاسد است.

امام خمینی علیه السلام مصلحت نظام را از امور مهم و مقدم می‌دانست و از همین روی در راستای پیشبرد اهداف نظام از این طریق عمل می‌کرد. ایشان برای کارآمدی نظام جمهوری اسلامی در اقدامی دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر کرد. (همان، ج ۲۰: ۴۶۵). وی در اهمیت عنصر مصلحت خطاب به مسئولان می‌گوید:

باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است

که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم. (همان، ج ۲۱: ۳۳۶)

امام علیه السلام در همین راستا نقش زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کرد:

تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند؛ چراکه یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست. (همان: ۲۱۷)

۵. وحدت

با وجود طبیعی بودن اختلافات در جوامع بشری، تأکید بر وحدت و همگرایی در راستای کارآمدی حکومت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تاریخ، همواره مردان بزرگی را به‌خود دیده که پرچمدار وحدت بوده‌اند. حضرت امام علیه السلام از جمله کسانی است که در تاریخ معاصر بر این عنصر اساسی تأکید بسیار داشت؛ اصلی بنیادین که رعایت آن بی‌تردید موجب دوام و کارآمدی نظام می‌شود. مقوله وحدت از چند جنبه در اندیشه امام علیه السلام درخور بررسی است.

الف) وحدت بین ملت

یکی از مظاهر وحدت در راستای کارآمدی حکومت، وحدت بین مردم در جامعه است. امام

درباره تأثیر این عنصر اساسی در پیروزی مردم می‌فرماید:

ملت ما باید بیدار بشود؛ ملتی که توانست با توانایی خودش و با مشیت محکم خودش، توی دهن تمام قدرتمندها بزند. این ملت، قدرتمند است، لکن باید وحدتش را حفظش بکند. اگر وحدتش را حفظ کند، قدرتمند است؛ یعنی خدا همراه است. اگر شما وحدتتان را حفظ کنید، *يُدَالُّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ*؛ با جماعت شما خدا هست و شما همه را از بین خواهید برد. (همان، ج ۱۰: ۲۹۶ و ۲۹۷)

همچنین در جایی دیگر در همین باره می‌فرماید:

کوشش کنید که وحدتتان را حفظ کنید [و] از اغراض جزئیه که همه‌اش برمی‌گردد به اغراض دنیویه و... کارهای شیطانی [بپرهیزید]. امروز اسلام و قرآن در دست شماست و شما می‌توانید اسلام را و قرآن را ترویج کنید و در همه قشرهای دنیا بیرق اسلام را به‌پا کنید، اگر وحدت اسلامی‌تان را حفظ کنید و این قدرت ایمان را - که با قدرت ایمان پیش بردید - نگهداری کنید، [پیش می‌روید]. (همان، ج ۱۱: ۳۵۳)

امام علیه السلام رفع مشکلات، گرفتاری‌ها و رسیدن به استقلال و آزادی کشور را در گرو همین وحدت آحاد ملت می‌دانست. (همان، ج ۱۲: ۱۰)

ب) وحدت بین ملت و حکومت

تفاهم و همدلی بین ملت و مسئولان حکومت موجبات دوام و سلامت کشور را به‌وجود می‌آورد و بی‌گمان، با وجود چنین وحدتی است که کشور به کارآمدی می‌رسد. در اندیشه سیاسی - اجتماعی امام علیه السلام این موضوع آن‌چنان اهمیت دارد که سلامت کشور در پرتو وجود این نوع وحدت است و فساد و تباهی کشور نیز در نبود آن، شکل می‌گیرد. (همان، ج ۸: ۲۳۰ و ۲۳۱) ایشان منشأ همه مشکلات را در جدایی دولت از ملت دانسته و می‌فرماید: «جدایی دولت‌ها از ملت‌ها منشأ همه گرفتاری‌هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می‌کند». (همان، ج ۹: ۱۱۸)

وی رفع مشکلات دولت را نیز در گرو وجود وحدت بین آنها می‌داند:

دولت و مردم بایستی یکی باشند تا از گرفتاری و پیشامدهایی که برای دولت و مملکت پیش می‌آید، مردم از دولت پشتیبانی نمایند... دولت و مردم نبایستی از یکدیگر جدا باشند [و] اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند، ولی هرگاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود... . (همان، ج ۱: ۱۲۲ و ۱۲۳)

ج) وحدت بین مسئولین

بی‌تردید اختلاف سلايق و دیدگاه‌ها در بین مسئولان امری طبیعی است، اما وجود این اختلافات نباید به گونه‌ای باشد که دوستی‌ها به دشمنی کشیده شود و مملکت را به ورطه سقوط بکشاند. امام علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال، اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم [و] در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم... . (همان، ج ۲: ۴۷)

نتیجه

در این نوشتار تلاش شد تا مفهوم کارآمدی، شاخصه‌ها و مکانیسم‌های آن و مسئله کارآمدی در حکومت جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام تبیین شود. مهم‌ترین موضوعی که در این زمینه در برابر اندیشه‌های امام قرار دارد، چگونگی داشتن یک حکومت کارآمد با توجه به مبانی اسلامی است. با توجه به ضرورت رسیدن به سیاست‌ها و شاخصه‌هایی ارزشمند در راستای کارآمدی و پویایی نظام اسلامی ایران، مباحثی از قبیل

قانون‌گرایی، مردم‌گرایی، شایسته‌سالاری، مصلحت و وحدت، براساس الگوی اسلامی امام‌خمينی علیه‌السلام عرضه شد؛ مباحثی که بی‌تردید نظام جمهوری اسلامی ایران براساس آن شکل گرفته و بدین‌سان کارآمد شده است. بنابراین نظام سیاسی برای رشد و توسعه کارآمدی خود نیازمند آن است که شاخصه‌ها و مکانیسم‌های کارآمدی از منظر امام علیه‌السلام را به‌دقت مطمح نظر قرار دهد و در جهت حل معضلات کشور در همه دوران‌ها، بدان اهتمام جدی داشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقابخش، علی، فرنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۷۹.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف النعمه، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ق.
۵. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالم اللئالی، قم، انتشارات سیدالشهدا، ۱۴۰۵ق.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۸. دیلمی، شیخ حسن، ارشادالقلوب الی الصواب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۹. ذوعلم، علی، تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۵.
۱۰. رضائیان، علی، میانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۱۱. روحانی، حسن، درآمدی بر مشروعیت و کارآمدی، تهران، راهبرد، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۱۲. زاهدی، شمس السادات و سیدمهدی الوانی و ابوالحسن فقیهی، فرهنگ جامع مدیریت، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
۱۳. سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، بوستان، تهران، فارابی، ۱۳۸۴.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۲.
۱۵. فتحعلی، محمود، کارآمدی نظام اسلامی، قم، صیاح، سال سوم، ش ۱۲ - ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳.
۱۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی.
۱۷. کالین، های، «ساختار و کارگزار» در: روش و نظریه در علوم سیاسی، دیوید مارش و جری استوکر، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۸. _____، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۵.

۱۹. لاریجانی محمدجواد، حکومت و مبانی کارآمدی، تهران، مجلس و پژوهش، شماره دهم، سال دوم، تیر و مرداد ۱۳۷۳.
۲۰. _____، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش ۱۳۷۳.
۲۱. _____، حکومت، تهران، سروش، ۱۳۷۳.
۲۲. لیست، سیمور. ام، مشروعیت و کارآمدی، ترجمه رضا زبیب، تهران، فرهنگ توسعه، سال چهارم، ش ۱۸، خرداد و تیر ۱۳۷۴.
۲۳. معینی، صفرا، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان، تهران، وزارت کشاورزی، ۱۳۷۰.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح الله (امام)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.